

نقش حکومت اسلامی در مواجهه با چالش‌های فرهنگی عصر غیبت

محمد موسی حمیدی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۲۶

چکیده

این مقاله با هدف تبیین نقش حکومت اسلامی در مواجهه با چالش‌های فرهنگی عصر غیبت با روش توصیفی - تحلیلی، نگارش یافته و یافته‌های آن نشان می‌دهد که حکومت اسلامی با تحت تأثیر قرار دادن متغیرهای زمینه‌ساز، روند مواجهه با چالش‌های فرهنگی عصر غیبت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حکومت اسلامی مظهر ولایت خدای تعالی است و به اندیشه‌ها و باورها و گرایش‌ها و سنت‌ها و رفتارهای مردم در عصر غیبت، سمت و سوی خاص الهی می‌دهد. فرهنگ استکباری، انسان‌محوری، حق‌ستیزی، ظلم، تعصب نژادی، خرافه‌گرایی، ابتذال شدید اخلاقی و هرج و مرج جنسی که در قالب بردگی هوای نفس و شیطان و دنیا، جلوه می‌کند، صورت و شکل مدرن شده جاهلیت پیش از اسلام است و از مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی عصر غیبت می‌باشد. حکومت اسلامی، بینش و گرایش و کنش مردم را بر مدار توحید تنظیم می‌کند و باعث می‌شود مردم به خویش و جهان هستی نگاهی درست و بصیرتی افکنده و هماهنگ و متناسب با تکوین و فطرت در مسیر طاعت و قرب خدای تعالی سیر نمایند.

واژگان کلیدی

عصر غیبت، ولایت خدای تعالی، حکومت اسلامی، چالش‌های فرهنگی.

مقدمه

برای این که بستر مناسب در ذهن ایجاد گردد و تبیین نقش حکومت اسلامی در مواجهه با چالش‌های فرهنگی عصر غیبت بر اساس تصور درست کلمات و فهم دقیق مسائل اساسی آن شکل بگیرد، نخست لازم است، مسائل اصلی و معانی لغوی و اصطلاحی قصد شده از آن روشن

۱. دانش‌آموخته دکتری فقه تربیتی مجتمع عالی فقه قم (hamidimohammadmosa@gmail.com).

گردد.

بیان مسئله

برای شناخت انسان و اندیشه‌ها و گرایش‌ها و رفتارهای او، چاره‌ای جز تمسک به معارف وحی نمی‌باشد. در معارف اسلامی انسان از آن جهت مورد تکریم و ستایش است که به حسب روح و فطرت الهی خویش تحت تأثیر جاذبه‌ها و کشش‌های ماورای مادی قرار دارند و با پذیرش ولایت و طاعت خدای تعالی از حسیض نقص به قرب حضرت حق نائل می‌شود. انسان به حسب نفس حیوانی و شئون ادراکی؛ مانند حس، واهمه و متخیله و شئون تحریکی؛ چون شهوت و غضب، میل انحرافی به شر و تباهی دارد و با نفوذ و وسوسه‌های شیطان دچار غفلت و گمراهی و نافرمانی خدای تعالی می‌شود.

براساس جهان بینی توحیدی، جهان و انسان را خدای تعالی آفریده است و چون خدای تعالی حکیم است آنها را برای هدف و مقصدی آفریده و آن هدف، نیل انسان به کمال حقیقی و اصلاح رابطه او با خدای تعالی و جامعه و طبیعت است. طبق این نگرش، بشر با اراده و اختیار خود، جهت حرکت خویش را تعیین می‌کنند. آنان می‌توانند با پذیرش ولایت و طاعت الهی به سوی خدای تعالی حرکت کنند و در زمره حزب‌الله درآمده و به پیروزی و رستگاری برسند، یا این‌که با نافرمانی خدای تعالی، ولایت طاغوت را پذیرفته، به سوی شیطان حرکت کرده و در حزب شیطان درآمده و به زیان و بدبختی ابدی دچارگردند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

ای مردم! همانا خدا است و شیطان، حق است و باطل، هدایت است و گمراهی، راه راست و رشد است و کجی، دنیا است و آخرت، حسنات و سیئات، پس هر چه حسنات است از خدا است و هرچه سیئات است از شیطان که لعنت خدا بر او باد (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۲، ۵۱).

خدای تعالی برای تنظیم روابط و ساماندهی زندگی بشر و رسیدن آنها به حیات معنوی و کمال حقیقی، قوانین و احکام شرعی را تشریح و صادر نموده که اجرای آن ممکن و میسر نخواهد گشت جز با وجود حکومت اسلامی و زمامداری حاکمان عادل. فقه ناب اسلامی که از سرچشمه زلال و جوشان وحی و دریای علم پیامبر خدا ﷺ و اهل بیت علیهم السلام نشأت گرفته و گسترش یافته:

تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است... تشکیل حکومت حق برای جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی که بزرگانی مانند سلیمان بن داود علیهم السلام و

رسول اکرم ﷺ و ائمه علیهم السلام، برای آن کوشش می‌کردند، از بزرگ‌ترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ ش: ج ۲۱، ۲۸۹؛ ۱۳۸۸ ش: ج ۲، ۴۶۲).

امام صادق علیه السلام دوران غیبت امام عصر علیه السلام را دوران «فترت ائمه علیهم السلام» نامیده است:

الذی یملؤها عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً، لعلی فتره من الأئمة یأتی كما أن النبی بعث علی فتره من الرسل (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۵۱، ۳۹).

خدای تعالی دوران پیش از بعثت رسول خدا ﷺ را دوران «فترت رسل» نامیده است:

«یا أهل الكتاب قد جاءکم رسولنا بینکم لکم علی فتره من الرسل أن تقولوا ما جاءنا من بشیر ولا نذیر» (مائده: ۱۹):

ای اهل کتاب! رسول ما، پس از فاصله و فترتی میان پیامبران، به سوی شما آمد، حقایق را برای شما بیان می‌کند تا مبادا بگویید: نه بشارت‌دهنده‌ای به سراغ ما آمد، و نه بیم‌دهنده‌ای.

دوران فترت پیش از اسلام دوران جاهلیت است. به حالت جهل آن زمان همچون عدم شناخت خدای تعالی و رسول او و شرائع دین و تفاخر به نژاد و تکبر و ظلم و غیره جاهلیت گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ج ۱۱، ۱۳۰). امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

در زمانی که مردم، گروه، گروه شده بودند؛ گروهی خدا را تشبیه به مخلوق کرده، عده‌ای در نام او از حق منحرف بوده، و برخی غیر او را عبادت می‌نمودند، خداوند برای وفای به وعده خود، و کامل گردانیدن نبوت، رسول خودش محمد ﷺ را مبعوث کرد تا بندگان را از پرستش بت‌ها به پرستش خود، و از طاعت شیطان، به طاعت خود در آورد ... حضرت محمد ﷺ در زمانی برانگیخته شد که با دست مردم، نشانه‌های شیطان، آشکار و پرچم او برافراشته گردید. فتنه‌ها، مردم را لگدمال کرده و با سم‌های محکم خود نابودشان کرده و پا برجا ایستاده بود اما مردم حیران و سرگردان، بی‌خبر و فریب خورده، در کنار بهترین خانه (کعبه) و بدترین همسایگان (بت پرستان) زندگی می‌کردند. خواب آنها بیداری، و سرمه چشم آنها اشک بود؛ در سرزمینی که دانشمند آن لب فرو بسته و جاهل گرامی بود (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق: خطبه ۲).

رسول خدا ﷺ در چنین زمانی به جای ولایت و حکومت شیطان، ولایت و حکومت اسلامی را تشکیل داد و به جای ثنویت، تثلیث، ماده‌گرایی و آفتاب پرستی، توحید و خداپرستی را به مردم عرضه کرد و آنان را از حیرت و درماندگی، رهانیده و به سوی افق و آینده روشن، هدایت نموده و فرمود:

خداوند به سبب اسلام ارزش‌ها را تغییر داد؛ بهای بسیار چیزها را که در سابق پایین بود، بالا برد و بهای بسیار چیزها را که در گذشته بالا بود، پایین آورد. بسیاری از افراد در نظام غلط جاهلیت محترم بودند و اسلام آنها را سرنگون کرد، و بسیاری در جاهلیت حقیر و بی‌ارزش بودند، اسلام آنها را سربلند کرد. امروز مردم همان‌طور شناخته می‌شوند که هستند. اسلام به آن چشم به همه نگاه می‌کند که سفید و سیاه، قرشی و غیر قرشی، عرب و عجم همه فرزندان آدم اند و آدم هم از خاک آفریده شده است (مجلسی، ۱۴۰۸ق: ج ۲۱، ۱۳۷).

فرهنگ جاهلیت گذشته با فرهنگ جاهلیت مدرن تفاوت ماهیتی ندارد؛ بلکه در هر دوره و زمانی حتی در اوج پیشرفت تکنولوژی و تمدن بشری که فرهنگ جاهلیت بر جامعه بشری حاکم شود، دوران جاهلیت شکل گرفته است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

ای مردم! به یقین بدانید، آن کس که با جاهلیت مرسوم در میان شما به استقبال قائم ما برود، با آن کسی که با جاهلیت اول به استقبال رسول خدا رفت، تفاوتی ندارد و دلیل آن این است که در آن روز همه بر روش جاهلیت زندگی خواهند کرد، مگر آن کسی که مورد رحمت خداوند قرار گیرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ۱۲۰).

حکومت اسلامی نعمت و رحمت الهی و بعدی از ابعاد ولایت خدای تعالی است و در مواجهه با چالش‌های فرهنگی عصر جاهلیت گذشته و دوران فترت رسل؛ چنان که موفق و کارآمد بود؛ در مواجهه با چالش‌های فرهنگی عصر جاهلیت مدرن و دوران فترت ائمه علیهم السلام، نیز کارآمد و نجات‌بخش است و بشر را از کوردلی و دل‌مردگی، بی‌هدفی و سرگردانی، یأس و ناامیدی، اضطراب و ناامنی، شقاوت و بدبختی، جهل و تاریکی‌هایی که از بردگی نفس و شیطان و دنیا و فراموشی و نافرمانی خدای تعالی ناشی می‌گردند، رهانیده و به سوی افق و آینده روشن هدایت خواهد نمود.

به این ترتیب، سؤال پژوهش عبارت است از: حکومت اسلامی چگونه می‌تواند روند مواجهه با چالش‌های فرهنگی عصر غیبت را تحت تأثیر قرار دهد. کتب و مقالات منتشر شده در این موضوع گرچه به تبیین فرهنگ جاهلیت و جایگاه فرهنگ و تمدن اسلامی و بیان تاریخ و مبانی قرآنی و کلامی و فقهی حکومت اسلامی، جنگ و جهاد و دعوت مسلمانان به تمسک به حبل‌الله و باورها و ارزش‌های الهی پرداخته ولی کمتر به تبیین نقش حکومت اسلامی در مواجهه با چالش‌های فرهنگی عصر غیبت توجه کرده‌اند. آثاری به صورت مستقل، جامع و نظام‌مند، در این باره، یافت نشد، در یافتن پاسخ، اطلاعات لازم با محوریت معارف نبوی و

علوی گردآوری می‌شود و با رویکرد درون دینی و روش توصیفی - تحلیلی، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

مفهوم‌شناسی

۱. حکومت اسلامی

کلمه «حکومت» از ماده «ح.ك.م» است و حکم در لغت به معنای منع از ظلم و فساد است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۹۱). چون حاکم، ظالم را از ظلم و جور منع می‌کند به او حاکم گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۳، ۲۷۰). حکومت اسلامی و تدبیر امور اجتماعی و فرهنگی از شئون ولایت خدای تعالی است. علامه مصباح می‌فرماید: «حکومت، یکی از شئون ولایت الله است ... ولایتی که در این روایت: "بنی الإسلام علی خمس: الولاية ... و لم یناد بشیء ما نودی بالولاية یوم الغدیر» (مجلسی، ۱۴۰۸ق: ج ۶۸، ۳۳۲) مطرح شده، نه فقط به معنای دوست داشتن که به معنای پذیرفتن حق حاکمیت و حکومت الهی است؛ حقی که پس از خداوند برای پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت  و نایبان و والیان ایشان، به اذن خداوند ثابت است... (مصباح، ۱۳۸۴ش: ۹۸-۹۹).

خدای تعالی دو سنخ ولایت دارد: الف) ولایت تکوینی؛ یعنی تصرف عینی داشتن در موجودات جهان و عالم خارج که تخلف در آن راه ندارد و سه قسم است: ۱. ولایت عام که با ربوبیت مطلق پروردگار، همراه است و تمام موجودات و مخلوقات را تحت پوشش دارد؛ ۲. ولایت خاص که خداوند بر همه مؤمنان دارد؛ ۳. ولایت اخص که رحمت و عنایت خاص نسبت به انبیاء و اولیاء می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۰، ۲۶۳). ب) ولایت برتشریح؛ یعنی ولایت بر قانون‌گذاری و تشریح احکام که در مقام امتثال ممکن است افراد بشر هر یک از دو راه اطاعت یا عصیان را اختیار کنند (جوادی آملی، ۱۳۷۸ش: ۱۲۳).

ولایت رسول خدا ﷺ و ائمه هدی  مظهر ولایت خدای تعالی و به اذن و فرمان او می‌باشد. امیرالمؤمنین  می‌فرماید:

بدان پسر! هیچ کس چون رسول خدا ﷺ از خدا آگاهی نداده است، رهبری او را بپذیر، و در طریق رستگاری، او را پیشوای خویش انتخاب کن! ... هیچ کس از این امت را با آل محمد  نمی‌توان مقایسه کرد و آنها که از نعمت آل محمد  بهره گرفتند با آنان برابر نخواهند بود، چرا که آنها اساس دین و ستون استوار یقین هستند؛ غلوکننده، به سوی آنان باز می‌گردد و عقب مانده به آنان ملحق می‌شود و ویژگی‌های حق ولایت از آن آنها

می‌باشد... (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: نامه ۳۱، خطبه ۲۳۹).

خدای تعالی ولی حقیقی همه نعمت‌ها و مدبر امور و زمامدار راهیان همه راه‌هاست؛ راهیان راه ولایت حق با مهر او و رهروان راه ولایت باطل و طاغوت با قهر او ملاقات خواهند کرد. علامه طباطبایی می‌فرماید:

ولایت نعمتی است که با وجود آن، همه امور و نعمت‌ها در جایگاه خود قرار می‌گیرد و هریک از متصرفات انسان در مسیر سعادت حقیقی او واقع می‌شود... آدمی نمی‌تواند تشخیص دهد که داده‌های خدای متعال را چگونه استعمال کند تا نعمت شود، نه نعمت، تنها دین خداست که می‌تواند ما را راهنمایی کند؛ دینی که رسول خدا ﷺ آن را آورده و امامان از اهل بیت علیهم‌السلام برای بیان آن نصب گردیده است... قطعاً هیچ عاقلی بخود اجازه نمی‌دهد که توهم کند دینی که از طرف خدای جهان، جهانی و ابدی اعلام و معرفی شده است، دینی که وسعت معارفش جمیع مسائل اعتقادی و همه اصول اخلاقی و احکام فرعی را متضمن است برخلاف سایر قوانین، احتیاج به حافظ و کسی که آن طور که شاید و باید آن را نگهداری کند ندارد و بی‌نیاز از والی و حاکمی است که امور آن را تدبیر و اداره نماید... (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ۸۷-۸۸؛ ج ۳، ۳۵۴-۲۰، ۳۵۵-۶، ج ۶، ۴۸-۵۰).

۲. چالش‌های فرهنگی عصر غیبت

کلمه «فرهنگ» در لغت به معنا علم، ادب، خرد، تعلیم و تربیت است (دهخدا، ۱۳۷۳ش: ج ۲۲۷، ۳۴-۲۲۸). فرهنگ در اصطلاح، عبارت است از:

مجموعه‌ای از سنت‌ها، باورها، آداب و اخلاق فردی یا خانوادگی اقوامی که پابندی ایشان بدین امور، باعث تمایز آنها از دیگر اقوام و قبایل می‌شود (ولایتی، ۱۳۸۳ش: ۱۹).

کلمه «چالش» در مورد آسیب و آفت، مانع و مشکل، تمرد و نافرمانی، جنگ و جدال، اختلاف و تعارض، مبارزه و تلاش و تهافت رأی به کار رفته است (قوام، ۱۳۷۹ش: ۷-۲۵). چالش عبارت است از:

شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده، حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌سازد (ذوعلم، ۱۳۸۴ش: ۸۵).

فرهنگ اسلامی، فرهنگ توحیدی است. این فرهنگ ناب و اصیل از توحید سرچشمه گرفته و مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌های الهی می‌باشد. علامه طباطبایی می‌فرماید:

اصلی ثابت، اصل توحید است که سائر عقاید حق براساس آن و روی آن تنه بنا می‌شوند، و فضائل اخلاقی هم، از آن جوانه‌ها منشعب می‌شوند و همچنین اعمال صالح به صورت

میوه از آنها سر می‌زند. همین معارف و اخلاق و اعمال هستند که با سیر نظام وجود که منتهی به ظهور انسانیت می‌گردد، سازگاری و موافقت دارند و عالم بشریت و انسانیت، به وسیله آنها رونق و عمارت واقعی خود را می‌یابد و هرچه که غیر این باشد از مبدأ عالم، جوانه نزنده و با حیات طیبه انسانی و سیر نظام وجود سازگار نیست و در نتیجه ثبات و قرار و آرام نداشته، جز شر و ضرر اثر دیگری به بار نمی‌آورد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۲، ۵۲-۵۴).

چالش‌های فرهنگی عصر غیبت عبارتند از: جاهلیت و فرهنگ منحط و جاهلی مدرن که با بردگی هوای نفس و شیطان و عدم نگاه بصیرتی و ابزاری به زینت و متاع دنیا، همواره فرهنگ اسلامی را مورد تهاجم قرار می‌دهند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

من بین دو جاهلیت که دومین آن سخت‌تر از اولی است، برانگیخته شده‌ام... وضعیت آن زمان به قدری انحطاط پیدا می‌کند که اهل ایمان از تمام افراد پست تر و حقیرتر و ذلیل‌تر خواهند بود (ری شهری، ۱۳۷۹ش: ۲۷۳؛ قمی، ۱۳۶۳ش: ج ۲، ۳۰۵).

در این دوران مردم به ویژه جوانان در جریان انتقال مفاهیم اجتماعی، الگوها، ضوابط رفتاری، زبان و ارزش‌های فرهنگی، تحت تأثیر فرهنگ جاهلیت نوین قرار می‌گیرند؛ به گونه‌ای که به تدریج فرهنگ جاهلیت را پذیرفته، با جاهلان مدرن نزدیک و هم‌رنگ و هم‌حزب می‌شوند. امام خامنه‌ای می‌فرماید:

افراد و مجموعه‌های بشری همواره از دو سو آسیب می‌بینند، اول از درون خود که منشاء آن ضعف‌های بشری و هوس‌های مهارگسیخته و تردیدها و بی‌ایمانی‌ها و خصلت‌های منهدم‌کننده است، و دوم از دشمنان بیرونی... محیط اسلامی - چه افراد و چه ملت‌ها - همواره در معرض این دو گونه تهدید قرار داشته و امروز بیش از همیشه قرار دارد... فرهنگ غربی، فرهنگ مهاجم است؛ هر جا وارد شود، هویت‌زدائی می‌کند... باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آلود هویت‌زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت... جاهلیت یعنی مقابله با حق، مقابله با توحید، مقابله با حقوق انسان، مقابله با راهی که خدا برای انسان‌ها در جهت سعادت گشوده است. این جاهلیت، امروز هم هست؛ با شکل مدرن... امروز جاهلیت، مسلح و مجهز است به سلاح علم... هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند (پیام به کنگره حج، ۱۳۷۵/۰۲/۰۴؛ بیانات در دیدار جوانان، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳؛ بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۸۹/۰۴/۱۹). (<https://khl.ink/f/۱۳۸۹/۰۴/۱۹>).

خدای سبحان دنیا را مزرعهٔ آخرت قرار داده است؛ اما کوردلان و جاهلان فریب دنیا را خورده، همه چیز را در همین ظاهر و برای خود می‌بینند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

جز این نیست که دنیا منتهای دید کوردل است، چیزی ماورای آن را نمی‌بیند، و بینا نگاهش را از آن عبور می‌دهد و می‌داند در پی آن، سرای اصلی قرار دارد. پس بینا از آن، نگاه برمی‌گیرد و کوردل به آن خیره می‌شود؛ و بینا از آن توشه برمی‌دارد و کوردل برای آن توشه برمی‌دارد... هنگامی که قیام، به امر خلافت کردم، جمعی پیمان خود را شکستند و گروهی از دین خدا بیرون پریدند و دسته دیگری راه ظلم و طغیان را پیش گرفتند، گویی که آنها این سخن خدا را نشنیده بودند که می‌فرماید: «سرای آخرت را تنها برای کسانی قرار می‌دهیم که نه خواهان برتری جویی و استکبار در روی زمینند و نه طالب فساد، و عاقبت (نیک) برای پرهیزگاران است» آری به خدا سوگند آن را شنیده بودند و خوب آن را حفظ داشتند ولی زرق و برق دنیا چشم‌شان را خیره کرده و زینتش آنها را فریفته بود (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: حکمت ۴۳۲، خطبه ۳).

شیطان برای اغوا و اضلال و کافر نمودن انسان (حشر: ۱۶)، از راه هوای نفس و جلوه دادن دنیا در مجاری ادراکی و تحریکی او نفوذ می‌کند و به تزیین و تسویل، تطمیع، وعده و وعید، و ایجاد آرزو می‌پردازد (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش: ج ۳، ۳۶۳، ۱۰).

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

ابلیس خداوند را شش هزار سال عبادت نمود که معلوم نیست از سال‌های دنیاست یا از سال‌های آخرت. اما با ساعتی تکبر همه را نابود ساخت... ای بندگان خدا از این دشمن خداوند بر حذر باشید نکند شما را به بیماری خودش مبتلا سازد و با ندای خود شما را به حرکت وا دارد... شیطان آنها را به انجام دادن گناهان و خطاها تشویق کرد. اینها هم شریک او شدند و هرچه او می‌خواست انجام دادند... (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۹۲؛ خطبه ۷).

نقش حکومت اسلامی

حکومت اسلامی روند مواجهه با چالش‌های فرهنگی عصر غیبت را با تحت تأثیر قرار دادن متغیرهای زمینه‌ساز، تحت تأثیر قرار می‌دهد. زوایای این مسئله در سه محور بررسی می‌شود.

۱. تأثیر بر بینش‌ها و باورها

کلمهٔ «بینش» به معنای بصیرت و نگاه و نظر است (معین، ۱۳۴۲ش: ج ۱، ۶۴). علامه مصباح می‌فرماید:

بصیرت، واژه‌ای عربی، و تقریباً معادل «بینش» در فارسی است... موارد استعمال بصیرت غالباً در بینش باطنی است که در پرتو تجلی نور الهی در قلب حاصل می‌شود؛ نوری که خداوند به قلب مؤمن می‌تاباند و با آن نور، او را از تاریکی جهل خارج می‌گرداند... شرط دستیابی به چنین معرفت و عرفانی، تمرین بندگی خدا و عمل به دستورهای اوست... آنچه موجب محرومیت انسان از آن بینش معنوی می‌شود، شبهاتی است که غالباً شیاطین القا می‌کنند و اجازه نمی‌دهند تا عقل و فطرت انسان، با نور بصیرت باطنی آنچه را که باید، ببیند (مصباح، ۱۳۹۸ ش: ج ۱، ۱۰۲؛ همو، ۱۳۹۲ ش: ۱۷۵).

در عصر غیبت، انسان محوری و نفی کاشفیت هرچیزی به جز انسان و عقل او باعث شده که ساحت پاک و قدسی دین مورد حمله و تهاجم قرار گیرد؛ چنان که گفته‌اند:

در عصر جدید انسان جای خدا را می‌گیرد و همه چیز باید برای انسان باشد... آدمی دیگر اسیر زنجیرهای آسمانی نیست. انسان عبد نیست بلکه خود رب است می‌خواهد مستقل باشد و خود و جهان را آن چنان که دوست دارد بسازد. نظریات مارکس، نیچه و فروید آخرین تیرهای ترکش انسان است (حکاک، ۱۳۸۰ ش: ۶).

حکومت اسلامی برای تغییر و اصلاح بینش و عقاید جاهلیت مدرن با تأسی از رسول خدا ﷺ پرچم توحید را برافراشته و در راه دعوت به آن، هیچ وقت دست از مقاومت برنداشته و حاضر به مسامحه با دشمنان نخواهد شد. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

اگر خورشید را در دست راست من و ماه را در دست چپم بگذارند که دست از دعوت بردارم هرگز چنین نخواهم کرد تا زمانی که خداوند این دین را همه جا ظاهر سازد یا من در این راه از میان بروم (طبری، ۱۴۰۳ ق: ج ۲، ۶۷-۷۰).

توحید به معنای یگانه دانستن خداوند در ذات، صفات و افعال است (کلینی، ۱۳۷۵ ش: ج ۲، ۵۱۷). کلمه طیبه «لا اله الا الله» که به توحید در خالقیت (مؤمنون: ۹۱)، توحید در مالکیت (فاطر: ۱۳)، توحید در ربوبیت (انعام: ۱۶۴)، توحید در ولایت (کهف: ۲۶)، و توحید در محبت (فیض، ۱۴۱۷ ق: ج ۴، ۸)، منحل می‌شود، سرفصل منشور رسالت رسول خدا ﷺ (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ش: ۲۴)، استوارترین قلعه (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱۸، ۲۰۲)، محبوب‌ترین کلمه نزد خداوند متعال (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ش: ۲۱-۲۲، ح ۱۴)، و شعار اساسی حکومت اسلامی برای اعلام موضع فرهنگی در مواجهه با چالش‌های فرهنگی عصر غیبت می‌باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

خداوند پیامبری راهنما، با کتابی گویا و دستوری استوار بر انگیخت که جز افراد گمراه از آن اعراض نمی‌کنند. به راستی بدعت‌هایی که مردم را به شك و شبهه می‌اندازد موجب

تباهی آنها می‌شود. بدانید حکومتی که از جانب پروردگار برپاست باعث محفوظ ماندن کارهای شماست، پس تن به اطاعت او دهید البته نه از روی کراهت و نفاق بلکه از روی اخلاص و ارادت و قسم به پروردگار که وظیفه شما جز اطاعت نیست وگرنه خداوند حکومت اسلام را از شما به دیگری منتقل خواهد کرد و دیگر به سوی شما باز نمی‌گرداند تا به غیر شما داده شود... بدانید نه هر که دلی دارد عقل خالص دارد و نه هر که گوش دارد گوش شنوا دارد و نه هر که دیده دارد، چشم بینا دارد. در شگفتم و چرا در شگفت نباشم از خطا و اشتباه این گروه‌ها که با همه اختلافی که در راه‌ها و دلیل‌های دین خود دارند، چرا دنبال پیامبر نمی‌روند و از روش جانشین پیامبر، پیروی نمی‌کنند. ایمان به عالم غیب نمی‌آورند و دست از عیب‌جویی این و آن بر نمی‌دارند. به شبهه‌ها عمل می‌کنند و در پی شهوات می‌روند. کار نیکو، کاری است که آنها نیکو بدانند و کار بد، کاری است که آنها بد بدانند (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۶۹، ح ۴۳۲).

طریق معرفت خدای سبحان در دنیا به صورت امام و در آخرت به صورت پلی بر روی جهنم ظهور می‌کند که لغزیدن و سقوط در آتش جهنم، بازتاب انحراف و عدول از آن در زندگی دنیا می‌باشد (کلینی، ۱۳۷۵ش: ج ۱، ۴۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۸ق: ج ۸، باب ۲۲، ۴۴). امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

زمین از کسی که به وسیله حجت، دین خدا را برپا دارد خالی نماند که او یا ظاهر و آشکار است و یا ترسان و پنهان از دیده‌هاست... اینها جانشینان خداوند در روی زمین‌اند و مردم را به دین او دعوت می‌کنند... (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ح ۱۴۷).

خدای تعالی برای انسان دو قلب نیافریده است تا یکی جای ولایت او و دیگری جای ولایت شیطان باشد. خدای سبحان می‌فرماید:

﴿ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه﴾ (احزاب: ۴)؛
خداوند برای هیچ کس دو دل در درونش نیافریده است.

علامه طباطبایی می‌فرماید:

اگر دو اعتقاد متنافی دیدیم باید بدانیم که دو قلب به آن دو معتقد است و ممکن نیست یک فرد به هر دو معتقد باشد... طاعت خدای تعالی با طاعت کفار و منافقین تنافی دارد؛ چون قبول ولایت خداوند و ولایت آنها متنافی است؛ مثل توحید و شرک، که در یک قلب جمع نمی‌شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۶، ۲۷۴).

منشأ و ملاک حق حاکمیت، سلطه اعتباری است و سلطه اعتباری برگرفته از سلطه تکوینی است و چون اصل هر سلطه تکوینی از خدای تعالی است (ص: ۶۵)، پس اصل هر حقی از خدای

تعالی است و حق او، سرچشمه حق حکومت و ولایت می باشد:

... هو اصل الحقوق و منه تتفرع سائر الحقوق... (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش: ج ۲، ۶۷۴، ح ۱).

علامه طباطبایی رحمته الله علیه می فرماید:

حق از اسمای حسناى خدای تعالی است... وقتی ملك حقیقی از آن خداوند باشد و او کسی باشد که با ایجاد و تدبیر و میراندن و زنده کردن در بنده خود تصرف می کند، پس مولای حقیقی نیز او است، زیرا معنای مولویت در حق او طوری ثابت است که هرگز زوال در آن راه ندارد... حق، چیزی است که خدا آن را دارای ثبوت کرده باشد، چه در عالم ایجاد، و چه در عالم تشریح... (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ۵۴-۵۵).

بین ولایت حق و ولایت باطل تضادی است که شق سوم ندارد؛ حکومت در عصر غیبت، یا مصداق حق است یا مصداق باطل و نمی شود هم حق و هم باطل باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

بدان برترین بندگان خدا نزد او امامی است عادل که خود هدایت یافته و دیگران را هدایت کند، سنت معلومی را بر پا دارد، بدعت مجهولی را بمیراند... بدترین مردم نزد پروردگار، امام جائری است که خود گمراه است و مردم به وسیله او گمراه شوند، سنت های مورد قبول را از بین برده و بدعت های متروک را زنده کند، من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم، می فرمود: «امام جائر را روز رستاخیز حاضر می کنند در حالی که نه یآوری با او است و نه عذر خواهی، او را در آتش دوزخ می افکنند و همچون سنگ آسیا در آتش به چرخش می افتد، آن گاه او را در قعر دوزخ به زنجیر می کشند...» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۲۱).

اعتقاد به ولایت امام عادل، توحید در ولایت است و اعتقاد به ولایت امام جائر شرک در ولایت می باشد. امام باقر علیه السلام می فرماید:

خدای تعالی فرموده است: البته عذاب خواهیم کرد هر رعیتی را که در اسلام متدین گردد به ولایت هر پیشوای ستم کاری که از جانب خدا نیست، اگرچه رعیت در کارهای خود نیکوکار و پرهیزکار باشد و البته عفو می کنم از هر رعیتی که در اسلام متدین گردد به ولایت امام عادل که از جانب خدا باشد، اگرچه در ذات خود ستمگر بدکردار باشد (کلینی، ۱۳۷۵ش: ج ۱، ۳۷۶، ح ۴).

در مواجهه با چالش های فرهنگی عصر غیبت، حکومت اسلامی با ترویج و گسترش فرهنگ اسلامی و اجرای قوانین و احکام الهی می تواند بینش و عقاید مردم را در جهت حق و بر مدار ولایت خدای تعالی قرار دهد. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

سوگند به پروردگار از دلم و از خاطر نمی‌گذشت که عرب بعد از پیامبر ﷺ این گونه خلافت را از اهل بیت او بیرون آورده و به دیگری واگذار کنند... در میان آن آشوب‌ها برخاستم تا جلوی نادرستی و تبهکاری‌ها گرفته شود و بلکه از بین برود و دین از خطر، آرامش یابد و اضطراب آن از میان برود... نگرانی من از این جهت است که آدم‌های نادان و فاسق زمام امور این امت را به عهده بگیرند در نتیجه مال خدا را دست به دست گردانند و بندگان او را برده خود کنند و با بندگان صالح خدا به ستیز برخیزند و بدکاران را یاوران خویش قرار دهند... (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: نامه ۲۵).

حکومت اسلامی و مردم اگر چنان با هم نزدیک باشند که با هم همبستگی داشته باشند، درباره آنان تعبیر ولایت به کار می‌رود. علامه مصباح می‌فرماید:

رابطه ولایت گاهی بین «فرد» و «جامعه» برقرار می‌شود: «النبی أولی بالمؤمنین من أنفسهم» (احزاب: ۶)؛ پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر (و نزدیک‌تر) است. در این جا یک طرف رابطه ولایت، شخص «پیامبر» و طرف دیگر آن «امت اسلامی» است. گاهی از این ولایت به «ولایة النبى على الأمة» تعبیر می‌شود... بنابراین «ولی امر مسلمین» کسی است که دارای ارتباط نزدیک و محکم با مردمی است که بدون هیچ فاصله‌ای پشت سر او حرکت می‌کنند و از او اثر می‌پذیرند (مصباح، ۱۳۸۳ش: ۲۹۰-۲۹۱).

۲. تأثیر بر اخلاق و گرایش‌ها

گرایش و میل درونی انسان حاصل بینش فکری و نوع نگاه او به جهان هستی می‌باشد. بینش توحیدی، انسان را به سمت ولایت خدای تعالی می‌کشاند و نگاه مادی، انسان را تحت تأثیر هوای نفس و سلطه شیطان قرار می‌دهد. جایگاه ولایت و محبت، قلب انسان است. قلب که به اعتبار تصرف و توقد، «قلب» و «فئواد» نامیده می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۸، ۷۹؛ راغب، ۱۴۱۲ق: ۶۸۲). با نافرمانی و فراموشی خدای تعالی، بیمار و مضطرب گردیده و می‌میرد و با پذیرش ولایت و یاد خدای تعالی، سلامت و آرامش یافته و زنده می‌شود. علامه طباطبایی رحمته الله علیه می‌فرماید:

برای آدمی یک زندگی حقیقی هست که اشرف و کامل‌تر از حیات دنیوی است؛ کسی که دارای چنین زندگی است دو جور زندگی ندارد، بلکه زندگیش قوی‌تر و روشن‌تر و واجد آثار بیشتر است... این معنای این آیه است: «یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم» (انفال: ۲۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید استجابت کنید دعوت خدا و رسول را وقتی شما را دعوت می‌کنند به چیزی که شما را زنده می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۰، ۲۰۹).

جاهلیت مدرن در عصر غیبت با بی‌اعتبار پنداشتن اخلاق و ارزش‌های الهی و میل انحرافی به مادیات و شهوات، همجنس‌بازی، تبرج جاهلیت در قالب آزادی زنان با شعارهای فمینیستی و مانند آن، فرهنگ اسلامی را مورد تهاجم قرار می‌دهد. علامه مصباح می‌فرماید:

امروز دشمنان سعی دارند تا پایبندی ما را نسبت به ارزش‌ها سست کنند؛ لذا، می‌گویند: «ارزش‌ها اعتباری است. یک روز مردم به چیزی دل می‌بندند و روز دیگر به چیزی دیگر. نزد عده‌ای، شهادت طلبی، ایثار و... ارزش است، نزد عده‌ای دیگر، کاخ، پول پرستی، رقاصی، خوانندگی، صنعت، تکنولوژی و...» برای پیروزی در این زمینه، از وسایل تبلیغاتی و هنری نیز استفاده می‌کنند... به جای آن‌که ایثار و فداکاری و... نشان داده شود، مسائل عشقی، جنسی و... مطرح می‌شود (مصباح، ۱۳۸۱ ش: ۱۵۹-۱۶۰).

مردم در مواجهه با چالش‌های فرهنگی عصر غیبت با اراده و اختیار خود می‌توانند جهت حرکت خود را تعیین کنند؛ آنها می‌توانند ولایت حق را بپذیرند و در زمره حزب الله درآیند یا ولایت باطل را بپذیرند و در حزب شیطان درآیند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

هر که دوست دارد سوار کشتی نجات شود و دستاویز استوار را چنگ زند و به ریسمان محکم خدا بچسبد باید علی را بعد از من دوست بدارد و دشمنش را دشمن و پیرو ائمه هدی از فرزندان او باشد... حزب ایشان حزب من و حزب من حزب خداست و حزب دشمنان آنها حزب شیطان است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ش: ۱۶۱).

خدای تعالی مردم ولایت‌پذیر را در مقابل «حزب شیطان»، «حزب الله» نامیده است. حزب به معنای گروهی از مردم است که عقیده، گرایش و هدف واحد دارند (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق: ج ۳، ۱۶۵). خدای تعالی می‌فرماید:

«و من یتول الله و رسوله و الذین آمنوا فإِنَّ حزب الله هم الغالبون» (مائده: ۵۶)؛
و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد باایمان را بپذیرند، پیروزند (زیرا) حزب و جمعیت خدا پیروز است.

خدای تعالی در مقابل حزب الله، درباره حزب شیطان می‌فرماید:

«... استحوذ علیهم الشیطان فأنساهم ذکر الله أولئک حزب الشیطان إلا إن حزب الشیطان هم الخاسرون» (مجادله: ۱۹)؛
شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده آنان حزب شیطانند! بدانید حزب شیطان زیانکارانند!

اهل ولایت و حزب الله از بردگی نفس و شیطان به مقدار طاعت و عبودیت خدای تعالی

رہایی یافته و به کرامت می‌رسند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

خوشا به حال آن کسی که به تکلیف الهی خویش عمل می‌کند و با سختی‌ها در نهایت شکیبایی می‌سازد و شب زنده‌دار است و از خوابیدن دوری می‌نماید و تا آن زمانی که خواب بر او غلبه کند زمین را فرش و دستش را بالش قرار دهد. همان‌هایی که ترس روز قیامت دیدگان‌شان را بیدار نگه داشته و پهلوهایی‌شان را از خوابگاه‌های‌شان دور ساخته و لب‌های‌شان به ذکر و یاد پروردگارشان آهسته گویاست. و به خاطر آن که زیاد استغفار می‌کنند گناهانشان زدوده شده است «آن‌ان حزب خدایند و بدانید که حزب خدا پیروز و رستگار است» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: نامه ۴۵).

در مواجهه با چالش‌های فرهنگی عصر غیبت، حکومت اسلامی می‌تواند با تعلیم و تربیت و تبیین حقایق، موجب مصونیت مردم از گرایش و میل انحرافی به دنیا و دشمنان خدای تعالی گردد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

همانا برادری و دوستی مردم امروز بیشتر درباره دنیا است، براساس آن به یک دیگر اظهار دوستی می‌کنند، و بر همان اساس به یک دیگر خشم و کینه می‌ورزند، و این کار از پروردگار بی‌نیازشان نمی‌سازد... رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که به علی علیه السلام اشاره می‌نمود: فرمود: آیا این مرد را می‌بینی و می‌شناسی؟ عرض کرد: بلی، فرمود: او دوستدار خداست پس دوستدار او باش، و دشمن این مرد دشمن خداست، با دشمن او دشمنی نما، و با دوستدارش پیوستگی و دوستی کن، گرچه او قاتل پدر و فرزند تو باشد، و با دشمن این مرد دشمنی کن؛ اگرچه او پدر و اولاد تو باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۶۶، ۲۳۶).

در مواجهه با چالش‌های فرهنگی عصر غیبت، حکومت اسلامی و زمامداری حاکم عادل با اجرای قوانین و احکام الهی می‌تواند موجب تحقق فرهنگ اسلامی شود. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

اگر آشوبگری به فتنه‌انگیزی برخیزد، از او خواسته می‌شود که به حق بازگردد، و اگر امتناع ورزد با او به نبرد باید پرداخت... آگاه باشید من با دو کس می‌جنگم: نخست آن کس که به ناحق ادعا کند و چیزی که حق او نیست بخواهد و دیگر آن کس که از دادن حقی که بر گردن او است امتناع ورزد... هرگاه رعیت، حق والی را ادا کند و والی حق رعیت را به جا آورد حق بین‌شان ارزشمند خواهد شد. و راه‌های دین برپا و آثار عدالت بر جا و سنت‌ها آن‌طور که سزاوار است به اجرا در خواهد آمد. وضع زمانه اصلاح و دولت پایدار می‌گردد و مطامع دشمنان به یأس مبدل خواهد شد... (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۲۳۹؛ ۲۱۶).

۳. تأثیر بر گفتارها و رفتارها

در عصر غیبت، دشمنان ولایت؛ مستکبران و شیاطین انس و جن، جاهلیت مدرن را از جاهلیت گذشته به ارث برده، مانع پذیرش ولایت و طاعت خدای تعالی می‌شوند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

انسان‌های ظالم و ستم‌پیشه هرکدام از یکدیگر فتنه را به ارث می‌برند. نخستین آنها گروه بعدی را رهبری می‌کنند و گروه بعدی از جمع نخستین پیروی می‌نمایند. برای رسیدن به دنیای فرومایه از هم سبقت می‌گیرند و بر سر مردار گندیده با هم به نزاع می‌پردازند... از افتادن در دام‌های شیطان پرهیز کنید و از ستمگران دوری جوئید. لقمه‌های حرام را در شکم‌های‌تان جا ندهید، زیرا در محل دید پروردگاری هستید که گناه را بر شما حرام کرده و راه بندگی و اطاعت از حضرتش را برای‌تان آسان ساخته است (همان: خطبه ۱۵۱).

کلمه «طاعت» در لغت به معنای انقیاد و فرمانبری است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۲۰۹). طاعت خدای تعالی به معنای فرمانبری از وحی است. علامه طباطبایی رحمته الله علیه می‌فرماید:

تردیدی نیست که خدای تعالی از این دستور که مردم او را اطاعت کنند منظوری جز این ندارد که ما او را در آنچه از طریق پیامبر عزیزش به سوی ما وحی کرده اطاعت کنیم و معارف و شرایعش را به کار بندیم، و اما رسول گرامی دو جنبه دارد، یکی جنبه تشریح، بدانچه پروردگارش از غیر طریق قرآن به او وحی فرموده، ... دوم احکام و آرای است که آن جناب به مقتضای ولایتی که بر مردم داشتند صادر می‌کردند... پس بر مردم واجب است که رسول خدا را در دو ناحیه اطاعت کنند، یکی ناحیه احکامی که به وسیله وحی بیان می‌کند، و دیگر احکامی که خودش به عنوان نظریه و رأی صادر می‌نماید... اما اولی الامر، بهره‌ای از وحی ندارند، اطاعت آنان بر مردم واجب است، همان طور که اطاعت رسول خدا بر مردم واجب است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۴، ۳۸۸).

طاعت خدای تعالی اعم از عبادت او می‌باشد؛ یعنی هر عبادتی، اطاعت است، ولی هر اطاعتی، عبادت نمی‌باشد. عبادت خدای تعالی عملی است که به قصد قربت انجام می‌شود و عبودیت و مملوکیت عبد را می‌نمایند. علامه طباطبایی رحمته الله علیه می‌فرماید:

عبادت نوعی تجسم و ترسیم عبودیت و مملوکیت و اظهار حاجت به خداوند است... عبادت یا از باب امید و طمع به خیرات، و یا از باب ترس از شرور و یا از باب شایستگی معبود است... چون شایستگی اینکه دیگران برای کسی خاضع شوند جز به خاطر کمالی که در آن کس هست نمی‌باشد و آن کمال یا عبارت است از جمالی که نفس به سوی آن مجذوب می‌شود و یا جلالی که عقل در برابرش زمین ادب می‌بوسد و قلب از خود بیخود می‌گردد، و چون هیچ جمالی در هیچ موجودی نیست مگر آیتی از جمال خدای تعالی و

هیچ جلالی نیست مگر قطره‌ای از دریای بیکران جلال او، پس اوست خدای یکتایی که غیر او معبودی نیست (همان: ۱۲۴).

در مواجهه با چالش‌های فرهنگی عصر غیبت، حکومت اسلامی با آموزش و پرورش و اجرای قوانین و احکام الهی می‌تواند موجب مصونیت مردم از پذیرش ولایت طاغوت و اطاعت از شیطان گردد؛ زیرا بشر همان‌گونه که در حیات ظاهری نیاز به راهنما دارند در حیات معنوی و پذیرش ولایت و طاعت خدای تعالی، محتاج امام هدایت و حاکم اسلامی است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

به اهل بیت پیامبر بنگرید، از آن سمت که آنها گام برمی‌دارند منحرف نشوید و قدم به جای قدم‌شان بگذارید، آنها هرگز شما را از جاده هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت باز نمی‌گردانند، اگر سکوت کنند سکوت کنید و اگر قیام کردند قیام کنید، از آنها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید، از آنان عقب نمانید که هلاک می‌گردید... (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۹۷).

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت موارد ذیل را می‌توان نتیجه گرفت:

۱. بردگی نفس و انسان محوری، دنیاگرایی و انکار حقایق ماورای عالم مادی و بردگی شیاطین انس و جن، شکل مدرن شده‌ای جاهلیت پیش از اسلام است و از مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی عصر غیبت می‌باشد؛
۲. حکومت اسلامی مظهر ولایت خدای تعالی است و با ترویج و گسترش فرهنگ اسلامی و اجرای قوانین و احکام اسلامی می‌تواند در مواجهه با چالش‌های فرهنگی عصر غیبت، اندیشه‌ها و باورها و گرایش‌ها و رفتارهای مردم را بر مدار توحید اصلاح و تنظیم نماید؛
۳. در مواجهه با چالش‌های فرهنگی عصر غیبت، تأسی و اقتدای حکومت اسلامی به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی علیهم السلام، راهبرد عملی و راهگشاست برای تحقق فرهنگ توحیدی و باورها و ارزش‌های الهی و هدایت مردم به سمت افق و آینده روشن؛
۴. حکومت اسلامی رحمت و نعمت الهی است و مایه عزت و سعادت تمامی جوامع اسلامی و بلکه جامعه جهانی است و خیر و برکت را برای همه انسان‌ها به ارمغان خواهد آورد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ش)، *عیون اخبار الرضا؟ ع؟*، تهران: نشر جهان، اول.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸ش)، *التوحید*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، تحقیق، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۴. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق و تصحیح: هارون عبدالسلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، اول.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر، سوم.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ش)، *تسنیم*، قم: مرکز نشر اسراء، اول.
۷. حکاک، محمد (۱۳۸۰ش)، *تحقیق در آراء معرفتی هیوم*، بی جا: مشکوة.
۸. خامنه ای، سید علی، دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه ای: www.farsi.khamenei.ir.
۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۶ش)، *لغت نامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. ذوعلم، علی (۱۳۸۴ش)، تأملی در واژه «چالش»؛ واژه «چالش» در ادبیات اجتماعی - فرهنگی ایران، *زمانه*، شماره ۴ (۳۶).
۱۱. راغب، حسین (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم.
۱۲. ری شهری، محمد (۱۳۷۹ش)، *العقل والجهل فی کتاب السنة*، قم: دارالحديث.
۱۳. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه*، قم: هجرت.
۱۴. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، پنجم.
۱۵. طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۳ق)، *تاریخ طبری*، بی جا: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم: انتشارات هجرت، دوم.
۱۷. فیض، محمد محسن (۱۴۱۷ق)، *المحجة البيضاء فی تهذیب الإحياء*، قم: انتشارات اسلامی، چهارم.

۱۸. قمی، علی (۱۳۶۳ش)، *تفسیر قمی*، قم: اسلامیة.
۱۹. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۹ش)، *چالش‌های توسعه سیاسی*، تهران: قومس.
۲۰. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۷۵ش)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چهارم.
۲۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، تحقیق و تصحیح: جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، دوم.
۲۲. مصباح یزدی محمدتقی (۱۳۸۱ش)، *تهاجم فرهنگی*، تحقیق و نگارش: عبدالجواد ابراهیمی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۳. مصباح یزدی محمدتقی (۱۳۸۳ش)، *بر پرتو ولایت*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۴. مصباح یزدی محمدتقی (۱۳۸۴ش)، *آفتاب ولایت*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۵. مصباح یزدی محمدتقی (۱۳۹۲ش)، *نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۶. مصباح یزدی محمدتقی (۱۳۹۸ش)، *معارف قرآن*، تحقیق و نگارش: محمود رجبی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، هفتم.
۲۷. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۸. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۸ش)، *کتاب البیع*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۹. ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۳ش)، *فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم: دفتر نشر معارف، اول.

